

جایگاه تعلیم و تربیت مدیریت مالی خانواده در موفقیت زوجین

محمد نظری پور^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۸

چکیده

این پژوهش روشهای مدیریت مالی ۲۵ زوج سنندجی، که معتقدند دارای ازدواج موفق و پایدار هستند به روش مطالعه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سه یافته مهم این پژوهش عبارت بود از: الف - در بیشتر موارد یکی از زوجین عهده‌دار مدیریت امور مالی خانواده است که این نیازمند اعتماد و تعامل سازنده بین طرفین است. ب - زوجین شرکت‌کننده در این پژوهش دارای بدهی حداقلی بوده‌اند و در ضمن تلاش کردند بدهیهایشان را در اسرع وقت بپردازند. ج - هزینه مشارکت‌کنندگان در پژوهش در چارچوب درآمدهایشان بوده است و همچنین آنان افرادی صرفه‌جو بودند. سایر یافته‌های این پژوهش بر مواردی همچون: چگونگی عمل زوجین در داشتن حساب بانکی مشترک و یا مستقل، چگونگی تعامل زوجین در حل مشکلات مالی، دیدگاهشان نسبت به مشکلات مالی سایر زوجین، متمرکز بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زوجینی که زندگی موفق و پایداری دارند براحتی می‌توانند با همفکری و همکاری یکدیگر مشکلات مالی را حل کنند.

کلید واژه: تعلیم و تربیت مدیریت مالی، خانواده و مدیریت مالی، موفقیت زوجین و مسائل مالی، مدیریت اقتصادی خانواده در ایران.

مقدمه

از طریق مطالعه و تبیین چگونگی آموزش و پرورش مدیریت مالی^۱ زوجهای موفق، می‌توان گامهای سازنده‌ای در توسعه دانش مالی خانواده‌ها برداشت. پژوهشها نشان می‌دهد که موضوعات مالی با خوشبختی زناشویی^۲ ارتباط مستقیمی دارد. بسیاری از این پژوهشها کمبودهای جدی دارد و عمدتاً بر مشکلاتی تمرکز دارند که ممکن است به دلیل مدیریت مالی نادرست برای افراد، زوجها و خانواده‌ها ایجاد شود، (دوو^۳ ۲۰۰۸؛ گرافوا^۴ ۲۰۰۷؛ گودمانسون، بیوتلر، مک‌کوی و هیل^۵ ۲۰۰۷). در مقابل، این پژوهش، ضمن پوشش نقاط ضعف پژوهشهای قبلی تلاش دارد تا دارای نقاط قوتی نیز باشد؛ بدین معنی که این پژوهش تلاش می‌کند ابعاد مختلف مدیریت مالی زوجهای موفق را بدقت مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. این پژوهش براساس چشم‌اندازی کامل^۶ و نه چشم‌اندازی ناقص^۷ از خانواده انجام شده است. عمده کارها در زمینه چشم‌انداز کامل به دیفرین و اسی^۸، (۲۰۰۷)؛ دیفرین و استینت، (۲۰۰۲) و استینت و همکاران^۹، (۱۹۸۱) مربوط است. این چشم‌انداز در مورد روابط موفق زوجها و خانواده‌ها و نه آرامش روانی افراد است (دیفرین و اسی). استفاده از این چارچوب در مطالعات باعث می‌شود تا علاوه بر تمرکز بر دلایل موفقیت زوجها مبنایی نیز برای پیشرفت هرچه بیشتر زوجها و افرادی باشد که قصد الگوبرداری از این زوجها را دارند. این پژوهش در مورد زوجهایی است که دارای زندگی موفق بویژه در زمینه مدیریت مالی هستند.

-
- 1 - Financial Management
 - 2 - Marital Happiness
 - 3 - Dew
 - 4 - Grafova
 - 5 - GudMunson, Beautler, McCoy and Hill
 - 6 - Strengths Perspective
 - 7 - Deficit Perspective
 - 8 - Dfrain and Asay
 - 9 - Stinnett et al.

لازم است ویژگیهای زوج موفق از دیدگاه خانواده درمانگران به صورت ذیل بیان شود (رفاهی، ۱۳۸۷):

- ۱ - زوجهای موفق روابطشان را دست کم نمی گیرند. زمانی که بنای خانواده بر این اساس نباشد، بذر انهدام روابط کاشته می شود. ازدواج چون پیمانی است که روی سنگ حک می شود ولی سنگ هم قابل تخریب است و در وضعیت معینی خرد می شود. ۲ - زوجهای موفق فعالانه در صدد برآوردن نیازهای یکدیگر هستند. برآوردن نیازهای همسر، نشانه این است که به او علاقه دارید و او را درک می کنید؛ منتظر درخواست او نباشید؛ خواسته ها و نیازهایش را پیش بینی کنید؛ بیش از درخواست همسرتان، آنچه را باعث رضایتش می شود، انجام دهید؛ این امر برای او ارزش بسزایی دارد. ۳ - زوجهای موفق در روابطشان انعطاف پذیر هستند؛ برای برآورده ساختن نیازهای همسر، رفتار خود را تغییر می دهند. فقط با انعطاف پذیری می توان به رشدی دست یافت که باعث تغییر خواسته ها می شود. آنان می دانند در چه مواقعی مقاومت یا گذشت در برابر خواسته های همسر جایز است. زوجهای موفق برای برآورده ساختن نیاز و خواسته های غیر ممکن تلاش نمی کنند و همواره با هم صادق هستند. ۴ - زوجهای موفق برای یکدیگر ارزش قائل هستند؛ میان عشق جبرانی و عشق واقعی تفاوت قائل می شوند در عشق جبرانی شما فردی را جستجو می کنید که دارای صفات و ویژگیهایی باشد که خود از آن بی بهره هستید اما در عشق واقعی به دنبال فردی هستید که تواناییها و صلاحیتهایتان را ارتقا دهد. اگر فاقد عزت نفس هستید و آن را در همسرتان می جوید با ناکامی رو به رو می شوید. ۵ - زوجهای موفق به یکدیگر عشق می ورزند نه به آرمانهای هم. به آسانی می توان عاشق فرد آرمانی شد. فرد آرمانی از دو عیب و نقص برکنار است: خواسته های نامعقول و غیر منطقی ندارد و دارای صفات و ویژگیهایی است که در عشق واقعی می جوید. اما فرد آرمانی تنها در ذهن شما جای دارد و عشق آرمانی

برای مدت کوتاهی دوام دارد. شما آن رفتارهایی را که دوست دارید، می‌بینید. عیوب و نقایص فرد را نادیده می‌گیرید یا براحتی از آنها چشم می‌پوشید. دیر یا زود با شناخت همسرتان، واقعیت معلوم می‌شود و مایوس و نا امید می‌شوید؛ زیرا متوجه می‌شوید که او همان فرد آرمانی نیست که در ابتدا تصور می‌کردید. زوجهای موفق یکدیگر را برای آنچه هستند دوست دارند؛ نه برای آنچه خواهند بود. ۶ - زوجهای موفق آنچه را نمی‌توانند تغییر دهند؛ تحمل می‌کنند. تغییر برخی ویژگیهای همسر ممکن، و برخی دیگر غیر ممکن است. اگر فرد مورد نظرتان قد کوتاهی ولی فرد بلند مورد علاقتان است، قادر به تغییر این ضعف نیستید؛ یا باید آن را بپذیرید یا دیگر روابطتان را ادامه ندهید. اگر فرد مورد نظر بداخلاق است او سالها این رفتار را داشته است و در آینده نیز آن را در پیش خواهد گرفت. اگر می‌خواهید روابطتان خوب باشد، باید با این ویژگی او بسازید. ۷ - زوجهای موفق با یکدیگر رک و صریح هستند. گاهی ما مرتکب اشتباه می‌شویم اما برخی آن را نمی‌پذیریم؛ به جای افشای خطا و اشتباهات آنها را کتمان می‌کنیم و به دروغ متوسل می‌شویم. در واقع این امر باعث انهدام روابط می‌شود. نخست دروغ کوچکی به همسرتان می‌گویید، دفعات بعد براحتی دروغهای بزرگتری را خواهید گفت و در روابطتان صداقت از میان می‌رود. ۸ - زوجهای موفق در لحظات شادی و غم در کنار هم هستند و در فعالیتهایی شرکت می‌کنند که شادی بخش باشد و باعث صمیمیت و دوستی آنان شود؛ به جای اینکه منتظر لحظات شادی بخش باشند، خود آن را می‌آفرینند. در عین حال بخوبی می‌دانید که زندگی همیشه بر وفق مراد نیست. مشکلات نه تنها مانعی برای گسترش روابط ایجاد نمی‌کند، بلکه فرصتی برای رشد و سازش دو جانبه فراهم می‌سازد. ۹ - زوجهای موفق، رفتاری را در برابر هم در پیش می‌گیرند که مایلند با آنان نیز به همان گونه رفتار شود. اگر می‌خواهید روابطتان خوب باشد، نظر و عقاید همسرتان را درک کنید،

همان رفتاری که می‌خواهید همسران با شما داشته باشد با او داشته باشید؛ این امر به افزایش تفاهم و همدلی کمک کند که در روابط از اهمیت بسزایی برخوردار است.

تاکنون پژوهش‌های محدودی در زمینه چگونگی ایجاد زندگی موفق و مستحکم از دیدگاه زوجینی به عمل آمده است که دارای مدیریت قوی در ارتباط با مسائل مالی هستند. در این زمینه تنها می‌توان به پژوهش والرشتاین و بلاکسلی^۱ (۱۹۹۵) اشاره کرد که به زوجهای تحصیلکرده^۲ و طبقه متوسط^۳ از ایالت‌های برکلی و کالیفرنیا، امریکا مربوط است.

نتایج این پژوهش نشان داد که زوجهای موفق علاوه بر احساس احترام متقابل و اعتماد به نفس قوی، در کنار یکدیگر بودن را نیز دوست دارند. گرچه زوجها سبکهای مختلفی در زمینه مدیریت امور مالی خود داشتند، هر دوی آنها معتقد بودند که مشارکت آنها در هرکاری می‌تواند در خوشبختی زناشویی آنان تأثیرگذار باشد. در پژوهش شواتز^۴ (۱۹۹۴) زوجهای شش شهر بزرگ آمریکا، که معتقد به به کارگیری انصاف و برابری در زندگی خود بودند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش، ویژگی یک زندگی موفق عبارت بود از: مشارکت زوجین در تصمیم‌گیریها^۵، مسئولیتها^۶، کارهای منزل^۷ و همچنین عدالت مالی^۸ (یعنی عدم احساس استقلال اقتصادی زوجین نسبت به یکدیگر).

-
- 1 - Wallerstein and Blakeslee
 - 2 - Well-Educated
 - 3 - Middle-Class
 - 4 - Schwartz
 - 5 - Decision Making
 - 6 - Responsibility
 - 7 - Household Labor
 - 8 - Financial Equity

این پژوهش از جمله پژوهشهایی است که از این استدلال حمایت می‌کند که چگونگی تأمین مالی خانواده نقش بسزایی در رضایتمندی و یا انحلال زناشویی دارد. پژوهش هنری، میلر و گیاروسو^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که تأمین مالی خانواده بویژه هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری^۲، سومین چالش خانواده‌های باسابقه (یعنی داشتن حداقل بیش از ده سال سابقه زندگی مشترک) به شمار می‌آید. نتایج پژوهش استانلی، مارکمنو و یتون^۳ (۲۰۰۲) نشان داد که پول از جمله مهمترین چالشهای زناشویی است. به‌علاوه، یافته‌های این پژوهش نشان داد زوجهایی که دارای بالاترین سطح از ناسازگاریهای زناشویی هستند، آنهایی هستند که اغلب اوقات با یکدیگر در باره مسائل مالی بحث و جدل دارند. در پژوهشی که جامعه آماری آن امریکاییهایی بود که اصالتشان آفریقایی و امریکای لاتین بود، نشان داد که مشکلات ناشی از بودجه‌بندی^۴، اعتبار و بدهی^۵ باعث ایجاد تنش خانوادگی و در نهایت کاهش رضایتمندی در زندگی زناشویی می‌گردد (بریانت، تیلور، لینگولن، چاترز و جکسون^۶، ۲۰۰۸).

پژوهشها نشان می‌دهد که استفاده از داراییها^۷ در زمینه ازدواج می‌تواند باعث رضایتمندی و یا انحلال زندگی زناشویی شود. شواهدی هست که نشان می‌دهد که بین متأهل شدن و ثروت رابطه مثبتی وجود دارد (ساندرز و پرترفیلد^۸، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش داو^۹ (۲۰۰۹)، نشان داد که داراییهای زوجین با رضایتمندی زنان رابطه مثبتی دارد. هم‌چنین طبق یافته‌های این پژوهش در صورت وجود دارایی مشترک،

-
- 1 - Henry, Miller and Giarrusso
 - 2 - Spending & Investing
 - 3 - Stanley, Markman and Whitton
 - 4 - Budgeting
 - 5 - Credit & Debt
 - 6 - Bryant, Taylor, Lincoln, Chatters and Jackson
 - 7 - Assets
 - 8 - Sanders & Porterfield
 - 9 - Daw

زنان به روابط زناشویی متعهدتر هستند و کمتر به طلاق به عنوان راه فرار از مشکلات نگاه می‌کنند؛ هرچند این حالت در مورد مردان مصداق ندارد. به اعتقاد دوو (۲۰۰۸) زنان به نشان دادن وابستگی اقتصادی به شوهران خود علاقمند نیستند اما در عوض به دلیل داشتن داراییهای زناشویی از ازدواج خود راضی بودند؛ زیرا ممکن است این داراییها انتظارات اقتصادی آنها از ازدواج را برآورده کند.

نتایج پژوهش بسیاری از پژوهشگران علاوه بر نشان دادن رابطه بین رضایتمندی زناشویی و موضوعات مالی، بیانگر این است که بدهی می‌تواند معضل جدی برای زوجین باشد (دوو، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش آلسان و آلسان - سیگ^۱ (۲۰۰۰)، که ۲۱۰۰۰ زوج را مورد مطالعه قرار داد، نشان داد که بدهی یکی از پنج مشکل اصلی مالی زوجین به شمار می‌آید. هم‌چنین نتایج پژوهش این پژوهشگران نشان داد که بین بدهی و رضایتمندی زناشویی زوجین رابطه منفی قوی برقرار است. پژوهشگران دیگری نیز به این نتیجه رسیدند که بدهی مصرف‌کننده^۲ مانند بدهی ناشی از خودرو و وامهای بانکی بر رضایتمندی زناشویی بویژه زوجهای جوان تأثیر منفی دارد (اسکوگراند، اسکارم، مارشال و لی^۳، ۲۰۰۵). نتایج محقق دیگری نیز نشان داد که بدهی مصرف‌کننده بر رضایتمندی زناشویی زوجین جوان تأثیر منفی دارد (دوو، ۲۰۰۸). به هر حال، بدهیهای ناشی از بهداشت و درمان، آموزش و مسکن در صورتی که با توافق زوجین ایجاد شده باشد، باعث کاهش رضایتمندی زناشویی نمی‌شود (دوو، ۲۰۰۰؛ اسکوگراند و همکاران، ۲۰۰۵).

تلاشهای زیادی از سوی پژوهشگران در زمینه درک این نکته صورت گرفته است که چرا بدهی با رضایتمندی زناشویی رابطه دارد. نتایج برخی از این پژوهشها، که

1 - Olson and Olson-Sigg

2 - Consumer Debt

3 - Skogrand, Schramm, Marshall and Lee

از الگوی تنش خانواده^۱ استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که بدهی از طریق ایجاد تنش عاطفی باعث کشمکش‌های زناشویی می‌شود (کانگر و کانگر^۲، ۲۰۰۲). نتایج سایر پژوهشها نشان داد که فشارهای مالی می‌تواند بر روابط زوجین تأثیر مستقیمی داشته باشد (گندمانسون و همکاران^۳، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش دیگری نشان داد که بدهی مصرف‌کننده می‌تواند بالقوه باعث کشمکش‌های زناشویی زیادی شود و دلیل آن نیز می‌تواند این باشد که بدهی مصرف‌کننده می‌تواند باعث محدود شدن انتخابهای آینده شود (دوو، ۲۰۰۷).

درک این نکته، که چگونه زوجین در زندگی روزمره خود به تصمیم‌گیری مالی اقدام می‌کنند، موضوع چندین پژوهش بوده است. عموماً یافته‌های این پژوهشها نشان می‌دهد که هرچند راه‌های زیادی برای تصمیم‌گیریهای مالی موفق هست، داشتن برنامه‌ای مدون، که مورد توافق زوجین باشد، ضروری است (والرشتاین و بلاکسلی، ۱۹۹۵). در مطالعه‌ای کیفی در سوئد، که تمرکز آن بر برابری جنسیت در ازدواج بود، مشخص شد که داشتن حسابهای بانکی جداگانه و یا مشترک به این اندازه مهم نبود که زوجین بتوانند به طور برابر امکان دسترسی به حسابهای بانکی خانواده را داشته باشند (نیمان^۴، ۱۹۹۹). در نهایت، ماسک و وینتر^۵ (۲۰۰۱) دریافتند که وقتی زوجین در زندگی خود دارای مدیریت وجه نقد هستند، معمولاً یکی از زوجین تمایل دارد که عهده‌دار این مدیریت باشد. یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که زوجین باید ضمن جلب اعتماد یکدیگر در مسائل مالی از توانایی لازم به منظور همفکری و هماهنگی لازم در زمینه موضوعات مالی همچون

1 - Family Stress Model
2 - Conger and Conger
3 - Gundmunson et al.
4 - Nyman
5 - Muske and Winter

کنترل حسابهای بانکی^۱، تصمیمات سرمایه‌گذاری^۲ و برنامه‌ریزی برای بازنشستگی^۳ برخوردار باشند (مک‌گنوپا و تولی^۴، ۲۰۰۱؛ استانلی و همکاران، ۲۰۰۲). گرچه آموزش و تربیت مدیریت مالی می‌تواند به زوجها در افزایش رضایتمندی زناشویی^۵ و کاهش میزان طلاق^۶ کمک کند، تعداد کمی از زوجها از شیوه‌های آموزشی مدیریت مالی به منظور بهبود روابط زناشویی خود بهره می‌گیرند (ماسک و ویتتر^۷، ۲۰۰۱). پژوهشهای کمی در مورد چگونگی مدیریت مالی زوجها بویژه آنهایی صورت گرفته است که دانش مدیریت مالی کافی ندارند. این پژوهش تلاش می‌کند از طریق تحلیل و بررسی شیوه‌های مدیریت مالی مورد استفاده زوجها موفق به ارتقای ادبیات موضوع کمک کند. نتایج این پژوهش ممکن است برای زوجها مفید واقع شود که خواهان به‌کارگیری شیوه‌های مالی مؤثر برای ارتقای کیفیت زندگی خود هستند. این پژوهش از طریق تمرکز بر زندگی زوجها موفق (با سنین و سطوح درآمدی مختلف)، که دارای برنامه‌های مدون در زمینه مدیریت مالی خانواده خود هستند به ترمیم شکاف در زمینه ادبیات موضوع اقدام خواهد کرد.

روش

برای این پژوهش از طرح کیفی یعنی مبنای چشم‌انداز کامل نسبت به خانواده استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش تمام زوجین شهر سنندج بود. برای انتخاب نمونه پژوهش، محقق از طریق نواحی آموزشی و پرورش اقدام کرد. شیوه کار به

-
- 1 - Checking Bank Accounts
 - 2 - Investment Decisions
 - 3 - Planning for Retirement
 - 4 - McConocha and Tully
 - 5 - Marital Satisfaction
 - 6 - Divorce Rate
 - 7 - Muske and Winter

این صورت بود که در هر ناحیه به طور تصادفی چهار مدرسه ابتدایی متناسب با نواحی جغرافیایی مختلف شهر سنندج انتخاب، و سپس با هماهنگی مدیر دبستان و مطالعه پرونده بهداشت، دانش‌آموزان کلاس پنجم انتخاب شدند. البته برای همسان‌سازی آزمودنیها طول ازدواج والدینی تقریباً یکسان در نظر گرفته شد که مدت ازدواج آنها حداکثر ۱۵ سال بود؛ سپس برای ۱۵۰ زوج پرسشنامه فرستاده شد که ۱۲۰ پرسشنامه بازگردانده شد و سپس بخش موفقیت زوجین پرسشنامه‌ها توسط مشاور خانواده بررسی، و از بین آنها ۲۵ زوج موفق از لحاظ ملاکهای ازدواج موفق تشخیص داده شد. در نهایت، بخش مدیریت مالی پرسشنامه متناسب با ملاکهای مدیریت مالی موفق (پیش‌بینی هزینه‌ها، کنترل هزینه‌ها، شناسایی مغایرت میان هزینه‌های پیش‌بینی شده و واقعی و ریشه‌یابی مغایرت‌های شناسایی شده) تحلیل شد. به لحاظ رعایت اصول اخلاقی، قرار بود در پرسشنامه‌ها ویژگی شخصی داوطلبان ذکر نشود؛ لذا اطلاعات چندانی نسبت به این موضوع نیست که پرسشنامه‌های برگشتی متعلق به کدام زوج است.

بیشتر مشارکت‌کنندگان در پژوهش کرد بودند. ۳۵٪ از زنان دارای مدرک تحصیلی کاردانی و کارشناسی و ۲۱٪ نیز دارای مدرک تحصیلی ارشد بودند. ۴۵٪ از مردان دارای مدرک تحصیلی کاردانی و کارشناسی و ۲۵٪ نیز دارای مدرک تحصیلی ارشد بودند. ۲۸٪ از زنان و ۶۵٪ از مردان شاغل بودند. دامنه تغییرات درآمدی زوجین ۹۵۰/۰۰۰ تا ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان با میانگین ۴/۵۰۰/۰۰۰ تومان در ماه بود.

داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه باز^۱ جمع‌آوری شد. داده‌ها از طریق یک پرسشنامه پنج صفحه‌ای فرستاده شده برای داوطلبان جمع‌آوری شد. پرسشنامه ۲۲ عبارت داشت که به سه بخش تقسیم می‌شد: بخش اول شامل اطلاعات جمعیت

1 - Open-Ended Questionnaire

شناختی، بخش دوم شامل عبارات کیفی پرسشنامه (سؤالات باز) و بخش سوم شامل بررسی استحکام زناشویی (موفقیت زوجین) به صورت کمی بود. اطلاعات جمعیت شناختی برای تشریح ویژگیهای نمونه آماری مورد استفاده قرار گرفت. این بخش شامل سؤالاتی در مورد سن، مدرک تحصیلی، درآمد خانواده و سالهای زندگی مشترک زوجین بود. بخش دوم (بخش کیفی) طولانیترین بخش بود که از طریق سه سؤال باز، دلایل موفقیت زوجین نسبت به داشتن ازدواجی موفق و پایدار (به لحاظ مالی) را جمع‌آوری می‌کرد؛ برای مثال یک سؤال در مورد حد بالا و پایین ازدواج (اوقات خوش و اوقات تلخ) زوجین بود. گاهی اوقات نیز داوطلبان در پاسخ به این سؤال مطالبی را در مورد مشکلات مالی خود ذکر می‌کردند. به طور خاص یک سؤال در ارتباط با موضوعات مالی (به این شرح) بود: "در مورد پول بگویید. یکی از رایجترین اختلافات زناشویی اختلافات پولی است. مدیریت شما در ارتباط با مسائل پولی چگونه است؟ واکنش شما در ارتباط بدهی چگونه است؟ چه نوع مشکلاتی در زمینه مسائل پولی دارید؟ چگونه این مشکلات را برطرف می‌کنید؟" پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده بود که زوجین می‌توانستند براحتی در مورد ویژگیهای ازدواج موفق و پایدار خود بویژه موفقیت‌هایشان در زمینه مدیریت مالی زندگی مطالبی را بیان کنند. در قسمت راهنمای تکمیل پرسشنامه از زوجین خواسته شد تا پرسشنامه‌ها را بدون مشورت با یکدیگر و به تنهایی تکمیل نمایند. در بخش سوم پرسشنامه از هر کدام از زوجین خواسته شد تا ارزیابی‌شان را از کیفیت روابط زناشویی خود بیان کنند. هر کدام از زوجین نمره‌هایی را از یک تا پنج به هر کدام از موارد مرتبط با روابط زناشویی خود دارند که به این شرح بود: الف - تا چه اندازه در روابط زناشویی خود با شریکتان احساس صمیمت می‌کنید؟ ب - تا چه اندازه در روابط زناشویی خود با شریکتان احساس رضایتمندی می‌کنید؟ ج - تا چه اندازه در روابط زناشویی خود با شریکتان احساس خوشبختی

می‌کنید؟ د - تا چه اندازه احساس می‌کنید که روابط زناشویی شما از استحکام لازم برخوردار است؟ میانگین پاسخهای هر کدام از زوجین به هر یک از این سؤالات در دامنه ۴/۸ تا ۴/۹ از ۵ قرار داشت. این ارزیابی مثبت می‌تواند بیانگر نوعی حمایت تکمیلی از این واقعیت باشد که زوجین زندگی موفق و پایداری دارند. لازم به یادآوری است به منظور تأیید روایی پرسشنامه با چند متخصص مشاوره خانواده و مدیریت مالی مشورت شد.

یافته ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش پیشنهادی بگدان و بیکلن^۱ (۲۰۰۳) انجام شد. پژوهشگر در این روش برای هر بخش از پرسش اصلی پژوهش (زوجین موفق چگونه نقدینگی خود را مدیریت می‌کنند؟) کدهایی را اختصاص می‌دهد. براساس پیشنهاد بگدان و بیکلن پژوهشگر وقت زیادی را در مورد داده‌ها از طریق خواندن چندین باره ۲۵ پرسشنامه دریافتی با هدف درک کلیت داده‌ها صرف کرد. سپس محقق پاسخهای مرتبط با تأمین مالی را شناسایی و استخراج کرد که در نهایت مبنای داده‌ای این پژوهش قرار گرفت. سپس پژوهشگر براساس الگوها و مقررات پرسشنامه‌ها به تدوین رمزهایی اقدام کرد. یافته‌های این پژوهش بیانگر رمزهایی است که بارها از سوی داوطلبان بیان شده و همچنین نقل قولهای مورد استفاده در این پژوهش نشأت گرفته از اعداد اختصاص یافته به هر داوطلب و بیانگر تعلق نقل قولها به مردان و یا زنان مشارکت‌کننده در پژوهش است.

۱ - یافته‌های مالی

سه موضوع اصلی علاوه بر سایر یافته‌ها از داده‌ها استخراج شد: الف - به‌طور خاص فقط یکی از زوجین عهده‌ار مسائل مالی خانواده بود. زوجین به اهمیت

1 - Bogdan and Biklen

اعتماد به یکدیگر آگاهند و در باره مسائل مالی ارتباطات سازنده‌ای با یکدیگر داشتند. ب - زوجین بدون بدهی و یا دارای بدهی کمی بودند. ج - هزینه‌های زوجین در حدود درآمدهایشان و لذا صرفه‌جو تلقی می‌شد. سایر یافته‌های پژوهش عبارت بود از: دیدگاه زوجین نسبت به داشتن حساب بانکی مشترک و یا جداگانه، چگونگی تعامل در مورد مشکلات مالی و استنباط آنها از مشکلات مالی زوجین دیگر. در این پژوهش مردان و زنان مورد پژوهش ۲۵ زوج بودند. از ۱ تا ۲۵ شماره‌گذاری شد.

۲ - یافته‌های مدیریت یک زوج بر امور مالی

بیشتر زوجین مورد تحقیق (۱۸ مورد از ۲۵ مورد) اعلام کردند که یکی از آنها مدیریت روزانه مسائل مالی را عهده‌دار است که این به نوبه خود مستلزم اعتماد و تعامل طرفین است. مدیریت روزانه مسائل مالی شامل مواردی همچون پرداخت صورت حسابها، اجرا و نظارت بر هزینه‌ها، تهیه و استفاده از بودجه است. زوجین دلایل متعددی را برای انتخاب این شیوه از مدیریت بیان کردند. برخی از زوجین معتقد بودند که یکی از آنها در مسائل مالی تجربه و تخصص بیشتری دارد. یکی از شوهران (شماره ۱۷) بیان کرد که: "به دلیل تخصص در امور مالی، مدیریت مسائل مالی بر عهده من است. ما در زندگی خود به لحاظ مالی هم دوران خوب و هم دوران سخت داشته‌ایم. مدیریت مسائل مالی همیشه بر عهده من بوده است اما تلاش کرده‌ام همسر را از مسائل مالی آگاه نگه دارم. اگر ما نیازمند کاهش هزینه باشیم براحتی موضوع را برای همسر بیان می‌کنم و چگونگی مشارکت او را نیز یادآور می‌شوم که او نیز پیشنهاد من را می‌پذیرد." برای برخی از زوجین زمان عامل مهمی در پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده است. گاهی این وظیفه صرفاً براساس داشتن وقت آزاد بیشتر به یکی از زوجین واگذار می‌شود. یکی از شوهران (شماره ۱) بیان می‌کند که: "برای چندین سال بود که همسر عهده‌دار مسائل مالی

خانواده بود. اما حالا به دلیل داشتن وقت آزاد بیشتر، من عهده دار این مسئولیت هستم. در زندگی ما داشتن وقت آزاد بیشتر، توانایی اجرای بهتر و علاقه‌مندی در پذیرش مسئولیت نقش مهمی ایفا می‌کند. البته لازم به ذکر است که همسرم بخوبی از عهده کارها بر می‌آید." در مورد سایر زوجین به دلیل لذتی که یکی از زوجین از اجرای وظایف مالی می‌برد، عهده‌دار این مسئولیت است. یکی از زنان (شماره ۱۶) اشاره می‌کند که دخل و خرج و پرداخت صورتحسابها با وی است؛ زیرا او از این کار لذت می‌برد. یکی از شوهران (شماره ۲۲) می‌گوید: "همسر از امور مالی خانواده لذت می‌برد. هرچند من از زمان ازدواجمان عهده‌دار مسئولیت امور مالی یکی از شرکتهای بزرگ هستم از مدیریت مالی همسرم در مسائل خانواده لذت می‌برم. من هر روز با بودجه‌های میلیاردی سروکار دارم؛ اما از برنامه‌ریزی همسرم در زمینه امور مالی خانواده شوق می‌کنم. بزودی ما بازنشسته می‌شویم و امیدوارم دوران خیلی خوبی را داشته باشیم که در اوایل ازدواجمان نداشتیم."

پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده توسط هر کدام از زوجین تفاوت چندانی در ماهیت کار ایجاد نمی‌کند. در این پژوهش مشخص شد که ۱۲ نفر از زنان و هفت نفر از شوهران، عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده‌هایشان بوده‌اند. همان گونه که قبلاً اشاره شد، عواملی همچون وقت آزاد، تخصص و تمایل در پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده‌ها از سوی هر کدام از زوجین تأثیر زیادی دارد.

۳ - یافته‌های اعتماد متقابل زوجین

از دید داوطلبان اعتماد به یکدیگر در مسائل مالی خانواده، لازمه تداوم هر زندگی است؛ به عبارت دیگر برقراری اعتماد بین زوجی که عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده و زوج دیگر که مسئولیتی در این زمینه ندارد از اولویتهای اساسی هر خانواده‌ای به شمار می‌آید. یکی از زنان (شماره ۸) می‌گوید "من در زندگی به همسرم اعتماد دارم و معتقدم که او نیز چنین است. به دلیل اعتماد شوهرم به من از

زمان ازدواجمان او به من این اجازه را داده است تا مدیریت امور مالی خانواده بر عهده من باشد." یکی از زنان (شماره ۵) در پاسخ به این سؤال که شرایط لازم برای داشتن ازدواج موفق و پایدار چیست، گفت: "اجازه دهید تا یکی از زوجین عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده باشد؛ اما باید همیشه شریک مقابل نیز در جریان تمام کارها قرار گیرد. اعتماد، قابل جایگزین با هیچ چیز دیگر نیست." طبق نظر پرسش‌شوندگان، اعتماد باید به دست آید. یکی از زنان می‌گوید که او از کار کردن با ارقام مانند بودجه‌بندی، دریافت و پرداخت از حساب جاری و مدیریت وجوه نقد لذت می‌برد. شوهر او همه کارهای مالی را به او سپرده است؛ اما او هم چنین گفت: "در سال اول ازدواجمان، من تقریباً در مورد صورت حسابها و موارد مشابه با ابهاماتی روبه‌رو بودم؛ زیرا همسر قبلی شوهرم در مدیریت وجوه نقد با مشکلات جدی روبه‌رو بوده است. به محض اینکه شوهرم دریافت که می‌تواند به من اعتماد کند، او شروع به اعتماد کردن نسبت به من کرد."

۴ - یافته‌های تعاملات میان زوجین

علاوه بر اعتماد، زوجین در مورد اهمیت تعاملات بین خود در ارتباط با موضوعات مالی نیز صحبت کردند. برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که آگاه نگهداشتن زوجی که عهده‌دار مسئولیت مسائل مالی خانواده نیست از سوی زوجی که عهده‌دار این مسئولیت است، بسیار مهم است. یکی از زنان (شماره ۲۵) می‌گوید: "من احساس می‌کنم که شیوه برقراری تعامل با یکدیگر نسبت به اوائل ازدواجمان خیلی بهتر شده است. ما عموماً نسبت به یکدیگر ذهنیت مثبت داریم. وقتی مشکلی (جدلی) در زندگی پیش می‌آید، ما سعی می‌کنیم از طریق گفتگو سوءتفاهم‌ها را بکاهیم تا به توافق پایداری برسیم. ما در تنظیم بودجه خانواده همکاری فعالانه‌ای با یکدیگر داریم و در مورد مصرف پولمان تبادل نظر می‌کنیم."

بسیاری از زوجین بیان کردند که بحث در مورد خریدهای بزرگ برایشان بسیار مهم است؛ حتی اگر یکی از زوجین عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده شد. یکی از شوهران (شماره ۱۶) قاعده کلی خانواده خود را در زمینه خریدهای بزرگ این چنین بیان می‌کند: "در مورد خریدهای بیشتر از ۲۰۰/۰۰۰ تومان جلب رضایت هر دو زوج شرط اصلی چنین خریدی است." یکی دیگر از شوهران (شماره ۱۴) گفت: "اگر خرید بزرگی برای خانواده ضرورت پیدا کند، ما در مورد آن با هم تبادل نظر می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم که به چه چیزی و با چه مبلغی نیاز داریم." برخی از زوجین در باره چگونگی خرج کردن پول توسط هر زوج مطالبی را بیان کردند و گفتند که از دید آنان پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده توسط هر کدام از زوجین مهم نیست بلکه برای خرج کردن پول برقراری تعامل سازنده بین آنها ضروری است. یکی از زنان (شماره ۹) گفت: "ما حالا وجوه نقد را از طریق تبیین کامل وضعیت مالی خانواده مدیریت می‌کنیم. ما از یک دسته چک استفاده می‌کنیم و هر دو می‌توانیم چک بکشیم. هر دو به یکدیگر اعتماد داریم و به هزینه کردن مبالغ بزرگ بدون بحث در باره آن اقدام نمی‌کنیم."

۵ - یافته‌های بدهی کم و یا هیچ

بیش از نصف زوجین (۱۶ مورد از ۲۵ مورد) اظهار کردند که بدهی کمی داشته‌اند و یا تلاش کردند تا آن را در زمان کوتاهی پرداخت کنند. یکی از زنان (شماره ۲۱) گفت: "ما هرگز به خرید خودرو اقدام نمی‌کنیم مگر اینکه بیش از ۷۰٪ مبلغ آن را داشته باشیم. این مورد در باره لوازم خانگی و مبلمان نیز مصداق دارد. ما عمدتاً نیازهای روزمره زندگی خود را نقدی خرید می‌کنیم." یکی دیگر از زنان (شماره ۱۳) گفت: "ما تا حد ممکن تلاش می‌کنیم وامهای خود را زودتر از موعد مقرر و صورت حسابها را به‌طور کامل در آخر هر ماه پرداخت کنیم. ما حتی خودرو را به طور نقدی خریداری می‌کنیم." برخی از زوجین زندگی خود را با فلسفه بدون

بدهی شروع، و برخی دیگر نیز در طول زمان به این فلسفه اعتقاد و اعتماد پیدا کردند. در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توانید به بهترین نحو ممکن موفقیت‌های بالقوه ازدواجتان را ذکر کنید، یکی از زنان (شماره ۶) گفت: "موفقیت حاصل تعامل هر دوی ما در ارتباط با هدف مشترک است؛ برای مثال یکی از این اهداف پس‌انداز بود که نتیجه آن نداشتن بدهی در حال حاضر است." فلسفه نداشتن بدهی و یا بدهی حداقلی یکی از ارکان مهم زندگی زوجینی است که دارای ازدواج موفق و پایدار هستند. یکی از زنان (شماره ۷) در مورد توافقشان در مورد پول و تصمیم‌شان در مورد عدم خرید نسبه صحبت کرد. به اعتقاد وی این موضوع باعث شد آنها در مراحل بعدی زندگیشان نگرانیهای کمی در مورد پول (بدهی) داشته باشند. از پاسخهای داوطلبان می‌توان دریافت که فلسفه نداشتن بدهی برای بیشتر آنها یک اصل مهم به شمار می‌آید. به اعتقاد یکی از شوهران (شماره ۴) زوجینی که قصد تشکیل و تداوم زندگی موفق و پایداری را دارند، باید حتی‌الامکان از خریدهای نسبه خودداری کنند.

۶- یافته‌های تجاوز نکردن هزینه‌ها از درآمدها

بسیاری از زوجین (۱۹ مورد از ۲۵) گفتند که آنها چیزهایی را که قیمتش بیش از توان مالیشان باشد، خریداری نمی‌کنند؛ به عبارت دیگر آنها در حد درآمدهای خود هزینه می‌کنند. یکی از زنان (شماره ۳) گفت: "هر دوی ما با صرفه‌جویی و محافظه‌کارترین افرادی هستیم که شما می‌توانید سراغ داشته باشید. درآمدزایی (کسب پول) سخت است؛ بنابراین ما واقعاً با یکدیگر در مورد موضوعاتی مثل پس‌انداز، هزینه و استفاده از تواناییهای یکدیگر همفکری می‌کنیم. ما این روزها به دلیل صرفه‌جویی در هزینه‌ها هر کاری که از عهده خودمان برآید، انجام می‌دهیم. اولویت اصلی ما در سالهای اخیر پس‌انداز با هدف تهیه مسکن است. ما خرید نسبه نداریم." یکی از شوهران (شماره ۲۰) در مورد مدیریت وی و همسرش در

زمینه صرفه‌جویی در هزینه‌ها طی سالهای زندگی مشترکشان صحبت کرد. او گفت آنها توافق کردند که همسرش در منزل بماند و عهده‌دار مراقبت و تربیت بچه‌ها شود؛ لذا او مجبور بود سخت کار کند تا بتواند هزینه‌های زندگی را پوشش دهد. هم‌چنین او گفت: "تأمین مالی زندگی ما همیشه با چالش روبه‌رو بوده است؛ زیرا طی سالهای رشد و نمو فرزندان تنها منبع درآمدی خانواده حقوق من بود. اما هرکدام از ما راه‌هایی برای صرفه‌جویی یافتیم؛ برای مثال همسرم تلاش می‌کرد مواد غذایی مورد نیاز خانواده را از فروشگاه‌های ارزان قیمت، پوشاک و هدایای ویژه مناسب‌ها را از طریق مقایسه قیمت‌های مغازه‌های مختلف خریداری کند. من نیز تا حد امکان کارهای مرتبط با خودروی شخصی (مانند تعمیرات جزئی، تعویض روغن و غیره) و تعمیرات منزل مسکونی (مانند رنگ زدن در و دیوارها، تعمیرات لوازم خانگی و غیره) را خودم انجام می‌دادم. این اقدامات باعث صرفه‌جویی مبالغ قابل توجهی برای خانواده ما شد. هم‌چنین در مسافرتها تلاش می‌کردیم از چادر به‌جای هتل استفاده کنیم. در کل، ما هزینه خانواده را بخوبی مدیریت کردیم و از اینکه مصرف‌کننده فهمیده و صرفه‌جویی هستیم بر خود می‌بالیم. این تنگنای مالی باعث شد که ما یاد بگیریم که در چارچوب درآمد خانواده خرج کنیم بدون اینکه سبک زندگیمان دچار تغییرات زیادی شود."

۷- یافته‌های حسابهای بانکی مستقل یا مشترک

نتایج پژوهش نشان داد که اصرار خاصی به داشتن حساب بانکی مستقل و یا مشترک بین بیشتر زوجین مشاهده نشد. به هر حال زوجینی نیز بودند که تمایل زیادی به انتخاب یک شیوه خاص (حساب مستقل یا حساب مشترک) داشتند. یکی از شوهران (شماره ۲۳) گفت: داشتن حساب بانکی مستقل اصلاً مهم نیست به طوری که در زندگی زناشویی من و همسرم، پول من و تو نداریم. یکی دیگر از شوهران (شماره ۱۹) گفت: "ما دارای حسابهای بانکی جداگانه هستیم و این شیوه

را از زمانی بکار گرفتیم که دریافتیم کشیدن چک توسط دو شخص از یک حساب بانکی، کارایی لازم را ندارد. همسر تمام صورتحسابهای خانواده را از حساب بانکی خود و من نیز تمام هزینه‌های مرتبط با فعالیت اقتصادی خانواده را از حساب بانکی خودم پرداخت می‌کنیم.

۸- یافته‌های چالشهای مالی

هرچند مشارکت‌کنندگان در این پژوهش عموماً در زمان تحقیق دارای هیچ بدهی یا بدهی کم و یا هزینه‌شان در حد درآمدهایشان بود، بسیاری از آنان چالشهای مالی را در گذشته تجربه کرده بودند. به لحاظ شدت، چالشها از کم تا زیاد قرار داشت. یکی از زوجین (شماره ۱۴) اخیراً ۲۵۰ میلیون تومان ضرر کرده است. به هر حال شوهر این خانواده معتقد است که مشکل، ناشی از ازدواجشان نیست و ادامه می‌دهد: "همه چالشهای ما خارج از ازدواجمان بوده و ما اخیراً به دلیل یک مشاوره حقوقی نادرست ۲۵۰ میلیون تومان ضرر کرده‌ایم. ما دارای شغل‌های حرفه‌ای بودیم و هنوز هم می‌توانیم در شغل‌های قبلی خود ادامه فعالیت دهیم. ما در حال حاضر شغل خاصی نداریم. ما باید در سن ۵۰ سالگی به دنبال شغل جدیدی باشیم و این در حالی است که سابقه بیمه بازنشستگی نیز نداریم. هنوز هم به دلیل مشاوره حقوقی نادرست، دعاوی حقوقی زیادی علیه ما در محاکم قضایی مطرح است. احتمال کمی هست که ورشکسته شویم. فرزندان ما شغل‌های خودشان را دارند و به دلیل مشکل مالی پیش آمده برای ما کمک‌هایی نیز کرده‌اند." وقتی از زوجین خواسته شد دوران خوب و بد زندگی خود را توضیح دهند، یکی از شوهران (شماره ۱۸) اظهار کرد که نمی‌توان منکر تأثیرگذاری موضوعات مالی هم در زمانهای خوب و هم در زمانهای بد شد. دوران بد می‌تواند بیانگر افزایش احتمال ورشکستگی با توجه به برقراری رابطه تجاری با شریک متقلب باشد. او هم‌چنین

بیان کرد که موارد زیادی از نگرانی، ناراحتی و سایر احساسات وجود دارد که برطرف شدن آنها مستلزم همکاری متقابل زوجین است. او این موارد را "عوامل خارجی" نامید. در مورد دوران خوب نیز او گفت: "به دلیل این موارد در سال ۱۳۸۱ وضعیت مالی ما در وضع مساعدی نبود و بدهیمان نیز زیاد بود. به دلیل مشغول به کار شدن من در یک شهر دیگر، ما باید منزل گران قیمتی را می فروختیم که در شهر قبلی قرار داشت. فروختن این منزل زمان زیادی برد. وضعیت مالی ما موقعیت بدی را گذراند و این در حالی بود که سن ما زیاد می شد. من در حدود ۴۵ سال داشتم و ما نگران دوران بازنشستگی مان بودیم. به دلیل کار سخت و توجه جدی به پس انداز و سرمایه گذاری، بعد از ۱۵ سال توانستیم علاوه بر پرداخت تمام بدهیهایمان دارای یک مجموعه سرمایه گذاری مناسب در بازار بورس اوراق بهادار نیز شویم. ما حالا می توانیم به فکر بازنشستگی و داشتن دوران بازنشستگی بدون دردسر باشیم." همه زوجین، چه جوان و چه مسن در ارتباط با چالشهای مالی خود مطالبی را بیان کردند. یکی از زوجین (شماره ۱۱) در مورد فشارهای مالی ناشی از هزینه های تحصیلی فرزندان صحبت کرد. زوج دیگری (شماره ۱۲) در مورد چالشهای بزرگتری همچون بچه دار شدن در اوائل ازدواج، کم بودن سطح تحصیلات، کم بودن درآمد، تولد بچه نارس، از دست دادن شغل و تصادف با خودرو مطالبی را بیان کرد. او ادامه داد که آنها هرگز تسلیم مشکلات نشدند و با همکاری یکدیگر به زندگی خود ادامه دادند. به دلیل درآمدهای کم و نگرانی در مورد بازنشستگی، برخی از زوجین مسن اخیراً به لحاظ مالی در تنگنا بودند. سایر زوجین مسن نیز گفتند که آنها در اوائل زندگی شان با چالشهای مالی روبه رو بودند که با همکاری یکدیگر بر آنها فائق آمدند. یکی از شوهران (شماره ۲۱) گفت: "در سالهای اولیه زندگی وضعیت مالی ما به اندازه کافی خوب نبود تا بتوانیم مسافرت برویم. در صورت داشتن مسافرت، اغلب آنها کوتاه و کم هزینه بود. اما در سالهای

اخیر وضعیت مالی ما به اندازه کافی خوب شده است که می‌توانیم خواسته‌هایمان را برآورده کنیم. ما هرگز به دلیل خرید وسایل غیر ضرور برای خودمان بدهی ایجاد نمی‌کنیم."

۹- یافته‌های نگرش زوجین نسبت به مشکلات مالی سایر زوجین

یکی از سؤالات پرسشنامه این بود که آیا زوجین از مشکلات سایر زوجها شناخت کافی دارند. اگر جواب مثبت است دلایل آنها را در چه چیزی می‌بینند. جوابها به این سؤال گوناگون بود و شامل مواردی همچون خودخواهی، نبودن تعامل سازنده بین طرفین و عدم تشکر از زحمات یکدیگر می‌شد. به اعتقاد بسیاری از زوجین یکی از دلایل بروز مشکلات در خانواده‌ها مسائل مالی است. از دید برخی از زوجین مشکلات مالی نیز همانند سایر مشکلات تلقی می‌شود؛ اما برخی دیگر از آن به عنوان ریشه اصلی تمام مشکلات خانواده‌ها یاد کردند. یکی از شوهران (شماره ۱۵) گفت: "ریشه بیشتر مشکلات خانواده‌مان ناشی از مسائل مالی است. به اعتقاد من تمام زوجین باید درک مناسبی از موضوعات مالی داشته باشند." یکی از زنان (شماره ۱۵) گفت: "به اعتقاد من ریشه اصلی مشکلات مالی بسیاری از زوجین ناشی از عدم آگاهی حداقل یکی از آنها نسبت به مبانی علمی مدیریت مالی است." آخرین سؤال باز پرسشنامه در صدد این بود که بتواند طرز تفکر زوجین را نسبت به مؤثرترین الزامات در تشکیل و تداوم ازدواج موفق جویا شود. از دید بیشتر زوجین، مشاوره مالی از جمله عوامل مؤثر در ازدواج موفق و پایدار به‌شمار می‌آید. یکی از زنان (شماره ۲) گفت: "به هیچ وجه نباید شما از بابت موارد غیرضروری بدهکار شوید؛ زیرا بدهیهای غیرضرور می‌تواند منشأ بسیاری از مشکلات بعدی زناشویی شود. تلاش در جهت حذف و یا کاهش مصارف

غیرضروری می‌تواند باعث تقویت بنیه مالی خانواده‌ها گردد. در نهایت، رهایی از (پرداخت بموقع) بدهیها کار فوق‌العاده سختی است."

بحث و کاربردها

این پژوهش با استفاده از رویکرد "چشم انداز کامل از خانواده" انجام شد. یافته‌های آن با یافته‌های پژوهش شواتز (۱۹۹۴) و والرشتاین و بلاکسلی (۱۹۹۵) مشابه بود؛ بدین معنی که زوجین موفق و خوشبخت قادر به مدیریت کارآمد مسائل مالی خانواده خود هستند. این پژوهش می‌تواند باعث غنای ادبیات موضوع شود؛ زیرا در این پژوهش از دیدگاه زوجهای سنین و قشرهای اجتماعی مختلف نسبت به نقش مدیریت مالی در تشکیل و تداوم زندگی موفق و پایدار استفاده شده است. بسیاری از مقالات اشاره شده در این پژوهش از چشم‌اندازی ناقص نسبت به خانواده استفاده کرده‌اند؛ بدین معنی که آنها فقط به دنبال ریشه‌یابی مشکلات خانواده‌ها هستند. با نگاه به یافته‌های این پژوهش، این سؤالات قابل طرح خواهد بود: آیا مسائل مالی می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در روابط زوجین شود؟ آیا زوجین موفق که دارای ویژگیهایی همچون توانایی برقراری تعامل سازنده با یکدیگر، توانایی جلب اعتماد طرف مقابل و توانایی همکاری در قالب یک گروه هستند، می‌توانند به گونه مؤثری مسائل زناشویی خود بویژه موضوعات مالی را مدیریت کنند؟ از آنجا که این پژوهش براساس "چشم‌انداز کامل از خانواده" انجام شده است سؤال فوق می‌تواند بسیار مناسب باشد. طبق ادعای استینت و همکاران (۱۹۸۱).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زوجینی که زندگی موفق و پایداری دارند براحتی می‌توانند در ارتباط با چگونگی حل مشکلات مالی تعامل کنند؛ برای مثال یکی از شوهران (شماره ۲۰) می‌گوید: "من احساس می‌کنم که شیوه تعامل ما نسبت به

اوائل ازدواجمان بسیار بهتر و هم‌چنین دیدگاه‌مان نسبت به یکدیگر بسیار مثبت شده است. وقتی ما با یک مشکلی روبه‌رو می‌شویم، تلاش می‌کنیم از طریق گفتگو به درک مشترکی از آن برسیم. ما با یکدیگر در تدوین بودجه و تعیین محل و میزان هزینه خانواده تعامل سازنده‌ای داریم. "یکی از کاربردهای مهم نتایج این پژوهش می‌تواند این باشد که در صورت کمک به زوجین در برقراری روابط زناشویی مستحکم، آنها قادر به حل و فصل مؤثر مشکلات زناشویی خود از جمله مشکلات مالی خواهند بود. از طریق تعامل بیشتر بین علوم مدیریت مالی و مشاوره خانواده، مشاوران مالی و خانواده می‌توانند به زوجین در داشتن روابط زناشویی سالم کمک کنند که امکان استفاده از مهارت‌های مدیریت مالی نیز برای آنان فراهم می‌شود. در پژوهش‌های قبلی رابطه بین تأمین مالی و رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی زناشویی مطالعه شد (دوو، ۲۰۰۸؛ آلسان و آلسان-سیگ، ۲۰۰۰؛ اسکوگراند و همکاران، ۲۰۰۵).

این پژوهش از نوع کیفی بود و این امکان را برای مشارکت‌کنندگان فراهم کرد تا بتوانند موضوعات مرتبط با زندگی‌شان را با جملات خود بیان کنند. نتایج پژوهش نشان داد که زوجین از ارتباط بین موضوعات مالی و روابط زناشویی درک مناسبی دارند. از جواب‌های مکتوب مشارکت‌کنندگان نکات جالبی استخراج شد؛ برای مثال یکی از شوهران (شماره ۲۴) معتقد بود که به دلیل اهمیت دادن به مدیریت مسائل مالی آنان توانسته‌اند بدون تغییر الگوی زندگی، هزینه‌هایشان را در حدود درآمدهایشان تنظیم کنند. یکی دیگر از شوهران (شماره ۷) در مورد حد بالا و پایین (دوران خوش و سخت) زندگی‌شان که تحت تأثیر وضعیت مالی خوب و بد بود، صحبت نمود.

یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های دیگر همخوانی داشت؛ بدین معنی که در زندگی زناشویی معمولاً یکی از زوجین عهده‌دار مسئولیت امور مالی خانواده است

(ماسک و ویتتر، ۲۰۰۱). به هر حال، تشخیص الزامات فرایند تصمیم‌گیری و چگونگی مدیریت حسابهای بانکی برای زوجین اهمیت خاصی دارد (والرشتاین و بلاکسلی، ۱۹۹۵). جنبه جدید این پژوهش در این است که زوجین در مورد واگذاری مسئولیت امور مالی به یکی از خودشان به مواردی همچون تجربه و تخصص در امور مالی، داشتن وقت آزاد کافی و تمایل به این کار توجه نمودند. در این پژوهش نقش زنان در پذیرش مسئولیت امور مالی خانواده از مردان پررنگتر بود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای زوجینی مفید واقع شود که قصد تصمیم‌گیری در مورد واگذاری مسئولیت امور مالی خانواده به یکی از خودشان را دارند. بیشتر زوجها (شرکت‌کننده در این پژوهش) بر اهمیت نداشتن بدهی و یا پرداخت سریع بدهیها تأکید کردند؛ این بدین معنی است که آنها تلاش کردند در حد درآمدهایشان خرج، و در بسیاری از موارد نیز صرفه‌جویی کنند. این زوجین، که زندگی موفق و پایداری دارند به این نکته پی برده‌اند که بدهی می‌تواند باعث کاهش رضایتمندی زناشویی شود (دوو، ۲۰۰۸؛ اُلسان و اُلسان-سیگ، ۲۰۰۰؛ اسکوگراند و همکاران، ۲۰۰۵). داده‌های این پژوهش ضمن ارتقای غنای ادبیات موضوع، بیانگر این است که بدهی و چالشهای مالی پیش روی زوجین باعث همفکری و همگرایی بیشتر آنان در یافتن راهکارهایی به منظور رهایی از این نوع مشکلات می‌شود.

هرچند اغلب پژوهشها نشان می‌دهند که بین مشکلات مالی و عدم رضایتمندی زناشویی رابطه هست (هنری و همکاران، ۲۰۰۵؛ استانلی و همکاران، ۲۰۰۲). این پژوهش این نکته را به پژوهشهای قبلی می‌افزاید که هنوز هم زوجینی هستند که در عین داشتن چالشهای مالی و مجادله‌های مرتبط با موضوعات پولی، می‌توانند زندگی موفق و پایداری داشته باشند. تفاوت این‌گونه زوجین با زوجهای دیگر در چگونگی ادراک و برخوردشان با چالشها و معضلات مالی است. برخی از

مشارکت‌کنندگان گفتند که آنها تجربه عبور از مشکلات مالی را با همفکری یکدیگر (به عنوان یک زوج موفق) دارا هستند. برخی نیز بیان کردند که از دید آنان مشکلات خانواده (بویژه مالی) مشکلات مشترک زوجین و برخی دیگر نیز آن را مشکلات خارج از محدوده خانواده به شمار می‌آوردند. برخی از زوجین نیز اظهار کردند که از دید آنان دلایل بروز مشکلات مالی زوجهای دیگر می‌تواند مواردی همچون خودخواهی، عدم توانایی برقراری ارتباط سازنده با طرف مقابل و یا عدم تشکر از زحمات یکدیگر باشد. زوجینی نیز بودند که معتقد بودند که چالشهای مالی نمی‌تواند باعث جدایی آنان از یکدیگر شود؛ اما در عین حال آنان باید بتوانند از طریق حفظ روابط زناشویی سالم در طول دوره‌ای که مشکلات مالی هست به حل این‌گونه مشکلات اقدام کنند. از دید این زوجین جلب اعتماد و برقراری تعامل سازنده در زمینه مسائل مالی ضروری است. اعتماد سازی باید در زمینه‌هایی همچون زیاده‌روی نکردن در هزینه‌ها، پرداخت بموقع صورت حسابها و مشورت قبل از خریدهای بزرگ صورت پذیرد. این یافته‌ها با نتایج سایر پژوهشها در زمینه اعتمادسازی و برقراری تعامل سازنده در مدیریت کارآمد مسائل مالی همخوانی دارد (بورگوین و همکاران، ۲۰۰۵؛ مک‌کنوچا تولی، ۲۰۰۱؛ استانلی و همکاران، ۲۰۰۲). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برای اینکه برخی از زوجین بتوانند از توان لازم به‌منظور اعتمادسازی و برقراری تعامل سازنده برخوردار شوند، ضروری است آنان به‌طور همزمان هم از خدمات مشاوره‌ای و هم خدمات مالی استفاده کنند. همان‌گونه که برخی از زوجین مشارکت‌کننده در پژوهش نیز اشاره کردند، اعتمادسازی و برقراری تعامل سازنده ممکن است براحتی در سالهای اولیه زندگی فراهم نشود؛ اما با گذشت زمان و کسب تجربه احتمال وقوع این موارد نیز افزایش می‌یابد.

منابع

- ۱- رفاهی، زهره. (۱۳۸۷). ارائه مدلی جهت ارزیابی خانواده بر مبنای ملاک های همسرگزینی و رابطه این ملاک ها با عملکرد خانواده. رساله دکتری در رشته مشاوره. دانشگاه علوم و تحقیقات. واحد تهران مرکز.
- ۱- Bogdan, R. C., & Biklen, S. K. (2003), "Qualitative research for education", Boston: Ellyn and Bacon.
- ۲- Bryant, C., Taylor, R., Lincoln, K., Chatters, L., & Jackson, J. (2008), "Marital satisfaction among African Americans and Black Caribbeans: Findings from the National Survey of American Life", *Family Relations*, 57, 239-253.
- ۳- Burgoyne, C., Young, B., & Walker, C. (2005), "Deciding to give to charity: A focus group study in the context of the household economy", *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 15, 383-405.
- ۴- Conger, R. D., & Conger, K. J. (2002), "Resilience in Midwestern families: Selected findings from the first decade in a prospective, longitudinal study", *Journal of Marriage and Family*, 64, 361-373.
- ۵- DeFrain, J., & Stinnett, N. (2002), "Family strengths", In J. J. Ponzetti, et al. (Eds.), *International encyclopedia of marriage and family* (Vol. 2). New York: Macmillan Reference Group.
- ۶- DeFrain, J., & Asay, S. (Eds.). (2007), "Strong families around the world: The family strengths perspective", New York: Haworth.
- ۷- Dew, J. (2007), "Two sides of the same coin? The differing roles of assets and consumer debt in marriage", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 89-104.
- ۸- Dew, J. (2008), "Debt and marital satisfaction change in recently married couples", *Family Relations*, 57, 60-71.
- ۹- Dew, J. (2009), "The gendered meaning of assets for divorce", *Journal of Family and Economic Issues*, 30, 20-31.
- ۱۰- Grafova, I. B. (2007), "Your money or your life: Managing health, managing money", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 285-303.
- ۱۱- Gudmunson, C. G., Beutler, I. F., McCoy, J. K., & Hill, E. J. (2007), "Linking financial strain to marital instability: Examining the roles of emotional stress and marital interaction", *Journal of Family and Economic Issues*, 28, 357-376.

- ۱۲- Henry, R. G., Miller, R. B., & Giarrusso, R. (2005), "Difficulties, disagreements, and disappointments in late-life marriages, *International Journal of Aging and Human Development*, 61, 243–264.
- ۱۳- McConocha, D., & Tully, S. (2001), "Household money management: Recognizing nontraditional couples" *Journal of Consumer Affairs*, 27, 258–283.
- ۱۴- Muske, G., & Winter, M. (2001), "An in-depth look at family cash flow management practices", *Journal of Family and Economic Issues*, 22, 353–372.
- ۱۵- Nyman, C. (1999), "Gender equality in 'the most equal country in the world'? Money and marriage in Sweden", *Sociological Review*, 47, 766–793.
- ۱۶- Olson, D., & Olson-Sigg, A. (2000). *Empowering Couples: Building on your Strengths*. Minneapolis, MN: Life Innovations.
- ۱۷- Sanders, C. K., & Porterfield, S. L. (2010), "The ownership society and women: Exploring female householders' ability to accumulate assets", *Journal of Family and Economic* vol. 31 (1), 90–106
- ۱۸- Schwartz, P. (1994), "Peer marriage", New York: Free Press.
- ۱۹- Skogrand, L., Schramm, D. G., Marshall, J., & Lee, T. R. (2005), "The effects of debt on newlyweds and implications for education" *Journal of Extension*, [On-line] 43, Article 3RIB7. Available at: <http://www.joe.org/joe/2005june/rb7.shtml>
- ۲۰- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W. (2002), "Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey", *Family Process*, 41, 659–675.
- ۲۱- Stinnett, N., Sanders, G., & DeFrain, J. (1981), "Strong families: A national study", In N. Stinnett, J. DeFrain, K. King, P. Knaub, & G. Rowe (Eds.), *Family strengths 3: Roots of well-being* (pp. 33–42). Lincoln: University of Nebraska Press.
- ۲۲- Wallerstein, J. S., & Blakeslee, S. (1995), "The good marriage", New York: Warner Books.